

تحلیل اثرگذاری فلسفه برنامه درسی چند فرهنگی بر خط مشی های نظام آموزش پرورش ایران و نحوه رویاروی با مسایل و رویدادهای آن

فریدون یزدانی^۱، مینا قربانیان چلناب^۲

^۱ استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه پیام نور

چکیده

موضوع چند فرهنگی در جهان قدمتی دیرینه داشته است هر چند که روح و قالب چند فرهنگی در دنیای معاصر همان روح و قالبی است که در دوره های باستان مورد توجه بوده است، اما چون ارتباطات، الزامات و مواجهات فرهنگی جوامع امروز بسیار گسترده تر از دوره های باستان شده است، طبعاً این مفهوم، گستره معنایی وسیعتری پیدا کرده و چه به لحاظ نظر و چه در مقام عمل، عمق و وسعت بیشتری پیدا نموده است. به طوری که توسعه معنایی این مفهوم متناسب با نیازهای افراد و مقتضیات جامعه کنونی گشته است. اما آموزش چند فرهنگی به معنای اخیر آن در جهان غرب، بحث نو ظهوری است و قدمت آن به کمتر از نیم قرن گذشته باز می گردد. آموزش و پرورش چند فرهنگی در کشورهایی که دارای تنوع قومیتی و ملیتی هستند جزو ضروریات و الزامات نظام های آموزشی است که باید به آنها پرداخته شود. در این راستا کشورهایی نظیر آلمان، انگلستان، کانادا، استرالیا و ... سال هاست که فعالیت دارند و زمینه های علمی و آموزشی مناسبی را فراهم ساخته اند. در کشور ما با وجود تنوع قومیتی و خرده فرهنگ های درون نظام فرهنگی چندان توجهی به مقوله آموزش و پرورش چند فرهنگی نشده است لذا در این تحقیق روش توصیفی - تحلیلی به بررسی فلسفه برنامه درسی چند فرهنگی بر خط مشی های نظام آموزش پرورش ایران و نحوه رویاروی با مسایل و رویدادهای آن پرداخته می شود سعی به کنکاش و تحلیل این پدیده را بر روی نظام آموزش و پرورش ایران داریم. به طور کلی بدین نتیجه می رسیم که در آموزش چند فرهنگی با تاکید بر فرهنگ بومی هر منطقه و احترام به آن و بکار گیری آن در امر آموزش و در عین حال آشنا کردن دانش آموز با فرهنگها و قومیت های دیگر جامعه و ایجاد شرایط شناخت و تعامل با آنها، احساسی ملی گرایانه همراه با شناخت در دانش آموز ایجاد می شود که دارای پایه های محکمی است.

واژه های کلیدی: چند فرهنگی، آموزش و پرورش، برنامه درسی